پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۱۱۱-۱۳۹ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini
No. 50, Autumn &Winter 2024/ 2025

گونه شناسی کارکرد قرینه سیاق در تفسیر «منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین»

مرتضی افخمی[۱]، علی حسن بیگی[۲]، علیرضا طبیبی[۳]، ابراهیم ابراهیمی[٤]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷)

چکیده

دانشمندان اسلامي با الهام از سیره رسول اکرم (ص)، روایات معتبر، رعایت اصول و قواعد تفسیري، تدبر در آیات و توجه به قرائن، در جهت رسیدن به مقصود آیات قرآن کوشیده‌اند. یکي از مهمترین قرائن که نقش بی بدیلی در فهم مقصود گوینده و به‌ویژه فهم آیات قرآن دارد، «سیاق» است و براي آن، تعاریف مختلفي ارائه شده که تفاوت اساسي آنها، اختلاف بر سر حدود این اصطلاح است. در یک دسته‌بندي، تعاریف سیاق به دیدگاه «درون متني» و «برون متني» تقسیم مي‌شوند. دیدگاه درون متني منحصر در توجه به قبل و بعد کلام بوده و دیدگاه برون متني به هر قرینه و دلیلي که دلالت بر مقصود متکلم نماید توسعه یافته است. با دقت در آثار آیة اله سبحاني مي‌توان ایشان را در زمره طرفداران دیدگاه درون متني قرار داد و تعریف مورد نظر ایشان را این‌گونه دانست که «سیاق از امارات کشف مقصود متکلم با توجه به مطالب قبل و بعد سخن است، مادامي که که دلیل قوی‌تری بر خلاف آن در کار نباشد و نصوص احتمالي خلافِ آن تفحص شوند». از بررسی موارد کاربردي سیاق در کتاب «منیة الطالبین»، اثر تفسیری آیة اله سبحانی، مي‌توان مجموعه آنها را در دسته مباحث ادبي، تعیین مراد و مقصود آیه، نقد دیدگاه‌هاي مفسران، ارزیابي روایات اسباب نزول، تبیین آیات الاحکام، مباحث کلامي، مباحث تاریخي و لطایف آیات دسته بندي نمود. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفي- تحلیلي و با مراجعه به منابع کتابخانه‌اي انجام پذیرفته و موضوع آن تاکنون به این شکل مورد بررسي قرار نگرفته است.

کلید واژه‌ها: سیاق، کارکرد، گونه‌ها، آیة اله سبحاني، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ afkhamijan@yahoo.com
۲. استاد گروه الهیات دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)؛ a-hasanbagi@araku.ac.ir
۳. استاد دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ tabibi.alireza@ut.ac.ir
۴. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛ ebrahimi978@atu.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۱. بیان مساله

یکی از مهمترین قرائن در فهم مقصود گوینده و به خصوص فهم آیات قرآن، قرینه «سیاق» است. برای این قرینه تعاریف مختلفی از سوی دانشمندان اسلامی به صورت صریح یا ضمنی ارائه گردیده و نیز کارکردهای مختلفی در آثار آنان داشته است. یکی از دانشمندان اسلامی قرن حاضر که صاحب آثار مختلف در علوم اسلامی و از جمله تفسیر قرآن می‌باشد، آیة اله جعفر سبحانی است. در این مقاله دو سوال اصلی مورد تحقیق می‌باشد: ۱. با توجه به عدم ارائه تعریف جداگانه برای قرینه سیاق از سوی آیة اله سبحانی، تعریف ایشان از قرینه سیاق چیست؟ ۲. کارکردهای قرینه سیاق در کتاب «منیه الطالبین فی تفسیر قرآن المبین» شامل چه مواردی است؟

۲. مقدمه

قرآن بیانی روشنگر برای عموم مردم و هدایت و اندرز برای پارسایان است (آل عمران، ۱۳۸) و تبیین آیات به پیامبر اکرم(ص) واگذار شده است (النحل، ۴۴). پس از رسول خدا(ص)، ائمه معصومین(ع) ارائه دهنده تفسیر صحیح آیات وحی بوده‌اند (النحل، ۴۳؛ الانبیاء، ۷؛ الواقعه، ۷۹؛ الاحزاب، ۳۳؛ بابایی، ۴۹/۱). در این مسیر، مفسران و دانشمندان اسلامی نیز با الهام از سیره رسول اکرم(ص) و روایات معتبر و با استفاده از روش‌های مختلف به تفسیر آیات الهی پرداخته‌اند. آنان برای رسیدن به این هدف، از اصول و قواعدی پیروی کرده و با تدبر در آیات و توجه به قرائن، در جهت رسیدن به مقصود الهی کوشیده‌اند. ذکر چند نکته مقدماتی در ردیف خصوص ضروری است به شرح:

۲-۱. فرایند فهم سخن

در فرایند فهم متن، مخاطب و شنونده دو مرحله را پشت‌سر می‌گذارد: فهم معنای متن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

و فهم مقصود گوینده. اما آنچه از معنای متن فهمیده می‌شود، ضرورتاً مقصود متکلم نیست. بر این اساس کشف مقصود او بر پایه استناد به «قراین» است. (حسن بگی، درآمدی بر فرایند فهم حدیث، ۲۷). تصور می‌شود مهمترین قرائن عبارتند از: الف) سیاق ب) باورهای کلامی ج) جغرافیای سخن» (همان، ۱۱۷).

یکی از مهمترین قرائن که نقش بی بدیلی در فهم مقصود گوینده و به ویژه فهم آیات قرآن دارد، قرینه «سیاق» است که برخی از مفسران آن‌را گویاترین دلیل برای فهم مقصود آیه دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۱۶/۶). شاید بتوان ادعا کرد که این قرینه به دلیل اتصال به متن، کمتر دچار اعمال سلیقه شده است. با این اوصاف، قرینه جغرافیای سخن و باورهای کلامی گرچه هر کدام نقش مهمی در فهم مقصود گوینده دارند، ولی علاوه بر موانع و آسیب‌هایی که در پیش رو دارند، در یک نقطه اشتراک دارند و آن اعمال سلیقه است، ولی قرینه سیاق کمتر دچار مشکل مذکور است (حسن بگی، درآمدی بر فرایند فهم حدیث، ۱۱۷).

۲-۲. اهمیت سیاق

اهمیت توجه به سیاق، امری عقلی، عُرفی و بدیهی است و از صدر اسلام تاکنون همواره نزد دانشمندان شیعه و سنی مورد توجه بوده است، به طوری که در آثار آنها، لزوم توجه به آن در تفسیر قرآن تصریح شده یا در عمل به آن اهتمام داشته‌اند. به عنوان نمونه از دانشمندان اهل سنت، «ابن جوزی» می‌گوید: «سیاق ما را به تبیین محل و تعیین محتمل و قطع به عدم احتمال غیرمراد و تخصیص عام و قید خوردن مطلق و دلالت متنوع راهنمایی می‌کند و این از بزرگترین قرائنی است که دلالت بر مراد متکلم دارد. هر کس سیاق را در نظر نگیرد در نظراتش دچار خطا شده و دیگران را نیز به خطا می‌اندازد (ابن جوزی، ۹/۴). در مقدمه تفسیر المنار آمده است: «بهترین قرینه که حقیقت لفظ را بیان می‌کند موافقت معنای آن با معنای کلمات و جملات قبل از آن است و همراهی و سازگاری با مجموعه معنا و همسو بودن با هدفی که کتاب برای آن آمده است» (رشید رضا، مقدمه).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در آثار دانشمندان شیعه، در کتاب «کیف نفهم القرآن» نیز آمده است: «سیاق تاثیر زیادی در دلالت مقصود متکلم دارد. گاهی یک کلمه و یک جمله دو معنای کاملاً متناقض را می‌رساند بدون اینکه کلمه در ساختار داخلی‌اش مختلف باشد و تنها چیزی که تغییر کرده است سیاق و قرائن محیط به آن کلمه است (حسینی، ۱۲۵). آیه اله جعفر سبحانی معتقد است که یکی از مهمترین وظایف مفسر قرآن، تلاش بر حفظ سیاق آیات هم موضوع است (سبحانی، مناهج التفسیریه، ۲۹). از طرف دیگر نیز، تجزیه و تقطیع آیات و عبارات و کلمات، وحدت سیاق را برهم زده و به فهم صحیح اهداف سور آسیب می‌رساند و انحراف مفسر را در روش صحیح فهم مراد خداوند به دنبال دارد (سبحانی، روش تفسیر قرآن، ۲۹). ایشان در تفسیر خود استفاده فراوانی از قرینه سیاق نموده و اهتمام جدی به آن داشته است.

۲-۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های با محوریت سیاق فراوان است که برخی آن‌را به طور کلی بررسی کرده، یا در یک تفسیر خاص و یا به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار داده‌اند. پژوهش‌هایی که موضوع سیاق را در آثار آیة اله سبحانی مورد بررسی قرار داده‌اند شامل سه پایان‌نامه نیز به شرح زیر است:

«بررسی نظم ترتیبی و نظم موضوعی آیات در تفسیر منشور جاوید»؛ پدیدآور: اعظم نوذری و استاد راهنما اعظم پرچم، ۱۳۸۸؛ دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

«مبانی و روش تفسیری آیة اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین»؛ پدیدآور: بهزاد باقری زارع، استاد راهنما کاظم قاضی زاده، ۱۳۹۵؛ دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف قرآن.

«روش شیخ سبحانی در تفسیر منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین»؛ پدیدآور: راضی حسین شهیل و استاد راهنما محمدحسن رستمی، ۱۴۰۰؛ دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در میان آثار و پژوهش‌های تدوین شده مرتبط با آثار آیة اله سبحانی، هیچ کدام به ارائه تعریف سیاق از منظر ایشان و بیان کارکردهای سیاق در آثار وی تمرکز نداشته است، لذا در این نوشتار ضمن ارائه تعریف مذکور با دقت در آثار وی، به دسته بندی کارکردهای سیاق در تفسیر منیة الطالبین پرداخته شده است که تاکنون سابقه نداشته است.

۲-٤. تعریف سیاق

در خصوص تعاریف ارائه شده برای «سیاق»، دسته بندی‌های مختلفی از سوی برخی نویسندگان ارائه شده است. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم تعاریف سیاق به «درون متنی» و «برون متنی» است. یکی از پژوهشگران در این خصوص آورده است که در بین تعاریف سیاق، تفاوت اساسی وجود داشته که ناشی از اختلاف بر سر حدود این اصطلاح است. دسته‌ای از علما با رویکرد درون متنی، سیاق را محدود به صدر و ذیل کلام یا قرینه پیوسته لفظی می‌دانستند و برخی از قرائن غیرلفظی را تحت عنوان قرائن منفصل و در قالبی جز سیاق در نظر می‌گرفتند. ایشان در ادامه می‌نویسد: «دسته‌ای از علما، تعریف اصطلاح سیاق را توسعه داده‌اند و با نگاهی فرامتنی آن را شامل هر قرینه و دلیلی که دلالت بر مقصود متکلم نماید دانسته‌اند، خواه این قرینه لفظی باشد، خواه حالی و یا فراتر از این دو، یعنی اوضاع و شرایطی که یک سخن در آن شکل گرفته و درک آن مقام و موقعیت در فهم مراد گوینده اثرگذار است می‌شود» (آگهی، ۲۰). این تعریف اولین بار توسط آیة اله صدر مطرح گردید (صدر، ۱۰۳) و به دنبال آن افراد دیگری همین دیدگاه را به زبان دیگری مطرح کردند. به عنوان نمونه، کوثری می‌نویسد: «سیاق مجموعه قرائن و نشانه‌هایی است که در معنادهی به واژگان و الفاظ مورد نظر تاثیر گذار است، اعم از اینکه این نشانه‌ها لفظی باشند یا برگرفته از حالات و ظروف و مناسبات زمانی و مکانی گوینده (کوثری، ۱۸) یا مستند به لوازم معنای جمله باشند» (همان، ۲۹).

تعاریف ارائه شده در قالب دیدگاه درون متنی نیز مختلف است. به عنوان نمونه در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کتاب «الاضداد» معنای سیاق چنین آمده است: «معنای مورد نظر فهمیده نمی‌شود مگر از واژگان ماقبل و مابعد که بیانگر تاویل هستند» (ابن انباری، ۹۴/۱). همچنین نویسنده دیگری آورده است که «سیاق نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و یا یک سخن است که بر اثر همراه بودن آنها با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید» (بابایی، ۱۲۰). یا «سیاق، موقعیت خاص واژه یا جمله بر اثر همنشینی با واژه‌ها یا جملات دیگر است. به عبارت دیگر موقعیت ویژه‌ای است که سخن را احاطه کرده است، اعم از واژه‌ها و جملات پس و پیش که کلام را احاطه کرده است» (حسن بگی، درآمدی بر فرایند فهم حدیث، ۱۱۷).

۲-٤-۱. سیاق در منظر آیۀ اله سبحانی

مراجعه به آثار آیة اله جعفر سبحانی که با موضوع «سیاق» ارتباط دارند، نشان می‌دهند که ایشان در جایی از کتاب‌ها و آثار خود، به‌طور مستقل و روشن، تعریفی از سیاق ارائه ننموده است، لیکن در ضمن مباحث خود، مطالبی نگاشته‌اند که می‌توان به تعریف مورد نظر ایشان نزدیک شد. همچنین با مثال‌هایی که در خصوص آن آورده‌اند منظور ایشان تا حدودی روشن می‌گردد. مهم‌ترین مثال ایشان، بحث در خصوص آیه تطهیر، بیان مصداق «اهل بیت» و پاسخ به اشکال ظاهری سیاق در آیه مذکور است. ایشان در کتاب تفسیر موضوعی «منشور جاوید» می‌نویسد:

«مهم‌ترین پرسش پس از تحدید «اهل البیت» از نظر مفهوم و یا مصداق، پاسخ به سؤال از سیاق آیات است؛ زیرا آیه مورد بحث، در ضمن آیات مربوط به همسران پیامبر وارد شده و حتی در مصاحف، جزئی از آیه سی و سوم (سوره احزاب) به شمار آمده است که مربوط به آنان می‌باشد. در این صورت چگونه می‌توان گفت: این آیه از ماقبل و مابعد خود بُریده است و مربوط به گروه دیگر می‌باشد؟ وی در پاسخ می‌نویسد: «شکی نیست که وحدت سیاق یکی از امارات کشف مراد است، و پیوسته ما از مطالب قبل و بعد سخن متکلم، مقصود او را به‌دست می‌آوریم، ولی وحدت سیاق آنجا گواه بر مقصود متکلم است

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

که دلیل قوی‌تر و نیرومندتری بر خلاف آن در کار نباشد، در حالی که در آیه مورد بحث جریان چنین است؛ زیرا احادیث متواتر و یا مافوق آن گواهی می‌دهند که آیه «تطهیر» به صورت آیه مستقل نازل شده و در ذیل آیه سی و سوم قرار گرفته است و هرگز متمم آن نمی‌باشد» (سبحانی، منشور جاوید، ۴/ ۳۹۳). آیة اله سبحانی در کتب دیگر خود نیز به این مطلب اشاره نموده است (سبحانی، مناهج التفسریه، ۲۲۱-۲۲۴؛ اهل‌بیت (ع) سماتهم و حقوقهم فی القرآن الکریم، ۴۲؛ مفاهیم القرآن، ۱۶۳/۱۰؛ تفسیر آیات مشکله قرآن، ۱۶).

همچنین، در هنگام بحث از «شرایط تفسیر اجتهادی قرآن» و در ضمن بیان شرط هفتم و «توجه به سیاق آیات»، آورده است: «توجه به سیاق و به اصطلاح ما قبل و بعد آیه، به گونه‌ای، شاخه‌ای از شرط ششم یعنی «هماهنگی مجموع آیات قرآن با یکدیگر» است، مثلاً آنجا که قرآن پیرامون موضوعی سخن می‌گوید و آیاتی را وارد بحث می‌سازد، در چنین مورد، توجه به یک آیه، و انقطاع از آیات دیگر، جز لغزش و دوری از مقصد قرآن، نتیجه دیگری ندارد. این نه تنها قرآن است که باید در تفسیر جمله‌ها و آیه‌های آن، مجموع آیات ماقبل و مابعد را در نظر گرفت، بلکه تفسیر سخن هر حکیمی، بر این اساس استوار است (سبحانی، منشور جاوید، ۴۵۴-۴۶۰). ایشان در بخش دیگری آورده است: «در حالی که توجه به ماقبل و مابعد آیه، یکی از کلیدهای تفسیر صحیح و استوار است، مع الوصف سیاق آیه تا آنجا معتبر است که استقلال آیه وجدایی آن از ماقبل خود با دلیل قطعی ثابت نشود و در صورت ثبوت، نباید سیاق آیات را در تفسیر آیه دخالت داد» (همان، ۴۵۵).

با توجه به مطالب ذکر شده از آثار آیة اله سبحانی، تعریف ایشان از «سیاق» بدین صورت به نظر می‌رسد: «سیاق از امارات کشف مقصود متکلم با توجه به مطالب قبل و بعد سخن است، مادامی‌که که دلیل قوی‌تری برخلاف آن در کار نباشد و نصوص احتمالی خلاف آن جستجو گردیده و شناخته شده باشند. براساس مبنای «هماهنگی مجموع آیات قرآن با یکدیگر»، سیاق در قرآن نیز همان توجه کردن به مجموع آیات ماقبل و مابعد برای فهم مفهوم آیات است».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳. گونه شناسی کارکردهای سیاق در تفسیر منیه الطالبین

از بررسی موارد کاربردی سیاق در فهم آیات و نیز برداشت‌های تفسیری در تفسیر «منیة الطالبین»، می‌توان مجموعه آنها را دسته‌بندی نمود و در دسته مباحث ادبی، تعیین مراد و مقصود آیه، نقد دیدگاه‌های مفسران، ارزیابی روایات اسباب نزول، تبیین آیات الاحکام، مباحث کلامی، مباحث تاریخی و لطایف آیات به صورت زیر مطرح کرد:

۳-۱. کاربرد سیاق در مباحث ادبی

ادبیات عرب در حقیقت به متون نظم و نثری که به زبان عربی نگاشته شده باشد می‌گویند. در مشهورترین قول، ادبیات عرب را به دوازده علم تقسیم می‌کنند (هاشمی، ۳). در میان دانش‌های موثر در فهم و تفسیر آیات، سه دانش لغت، صرف و نحو اهمیتی بسیار دارد (سیوطی، ۷۷۴/۲-۹۷۴). زیرا واژه‌ها، ساختار و نوع چینش آنها بنیاد هر آیه‌ای را سامان می‌دهد و فهم مفاهیم آیات و نوع ترکیب آنها برای دریافت مراد جدّی خداوند اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

یکی از گام‌های دستیابی به فهم صحیح کلام الهی در تفسیر «منیة الطالبین»، توجه به مباحث ادبیِ مرتبط با فهم آیات می‌باشد. آیه اله سبحانی در ارائه تفسیر آیات، ابتدا متن آیات مرتبط با یکدیگر را آورده و سپس تحت عنوان «المفردات» به معنای لغوی و کاربردی واژگان پرداخته است. در ادامه نیز تحت عنوان «التفسیر»، آیات تفسیر شده است. در همین بخش و بر حسب ضرورت و موضوع آیات، به مباحث ادبی صرفی نحوی پرداخته و از تفاسیر دیگر نظیر مجمع البیان، کشاف نیز بهره برده است. از جمله قرائنی که ایشان در مباحث ادبی تفسیر خود استفاده نموده، بهره گیری مکرر از سیاق آیات و ارتباط میان واژگان می‌باشد. در ادامه تقسیم‌بندی آنها و بیان نمونه‌هایی از آن آمده است.

۳-۱-۱. تعیین مرجع ضمیر

کاربرد ضمیر برای اختصار و گزیده‌گویی است، به عبارت دیگر هر ضمیری جانشین

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

یک کلمه هست که از تکرار آن در جمله جلوگیری می‌کند. در قرآن که فصیح‌ترین کلام به شمار می‌آید نیز از ضمیر استفاده شده است. یکی از قواعد ضمیر آن است که مرجعی داشته باشد که ضمیر به آن برگردد. معمولاً مرجع ضمیر در لفظ مقدم است ولی گاهی نیز معنوی بوده و در مواردی مرجع ضمیر آشکار نیست. در صورتی که مرجع ضمیر در آیات قرآن واضح نبوده و احتمالات مختلف داشته باشد، موجب پدید آمدن تفسیرهای مختلف و گاه برداشت‌های نامتناسب از آیات می‌گردد. یکی از ابزارهایی که در کشف مرجع ضمیر و برداشت صحیح از آیات کمک می‌کند، توجه به قرینه سیاق است. در تفسیر منیه الطالبین در موارد متعدد، آیه اله سبحانی در تعیین مرجع ضمیر، به سیاق استناد نموده و نظر خود را ارائه داده است.[1] به عنوان نمونه در آیه «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً» (النساء، ۱۵۹)، در خصوص در عبارت‌های «بِه» و «قَبْلَ مَوْتِه»، مرجع ضمیر را «حضرت مسیح ع» دانسته و در خصوص احتمالات مربوط به آن می‌نویسد: «تأمل در سیاق آیه مؤید بازگشت آن ضمیر به «مسیح ع» است، نه به یکی از «اهل کتاب»، زیرا بحث در مورد کشتن و مصلوب شدن مسیح است، بنابراین مناسب است که منظور از «مَوْتِه» در آیه، مرگ مسیح است، نه مرگ یکی از اهل کتاب. این نشان از زنده بودن او دارد و همه اهل کتاب موجود در روز ظهور، باید او را درک کنند و قبل از رحلتش به او ایمان می‌آورند» (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۵۳۰/۹).

۳-۱-۲. تعیین مشارالیه

برای اشاره به اشخاص و یا اشیاء، از «اسامی اشاره» استفاده می‌شود، اما چیزهایی که به آن‌ها اشاره می‌شوند، «مشارالیه» نامیده می‌شوند. در بیشتر موارد، مشارالیه مدلول شیء محسوس می‌باشد ولی در برخی موارد، شیء معنوی است؛ مانند زمانی که موضوع سخن

---

۱. ج۱۰، (ص) ۲۷۴، ۳۱۴، ۴۱۶، ۵۱۶؛ ج۱۱، (ص) ۵۲۰؛ ج۱۲، ص۵۴، ۷۲، ۴۸۷؛ ج۱۳، (ص) ۱۳۹، ۱۹۷؛ ج۱۴، (ص) ۷۸، ۲۸۸، ۴۰۱، ۴۳۶، ۴۴۶، ۴۶۴، ۵۴۷؛ ج۱۵، (ص) ۶۸، ۲۳۵، ۳۲۷؛ ج۱۸، (ص) ۳۶۰؛ ج۱۹، (ص) ۳۷؛ ج۲۰، (ص) ۲۵۴، ۳۰۹؛ ج۲۱، (ص) ۲۹۷؛ ج۲۲، (ص) ۳۵۲، ۴۰۷، ۴۰۸؛ ج۲۳، (ص) ۲۸؛ ج۲۴، (ص) ۳۴۰؛ ج۲۵، (ص) ۱۱۷، ۲۳۵؛ ج۲۶، ص۴۲؛ ج۲۷، (ص) ۳۹، ۲۷۱؛ ج۲۹، ص۱۳۰، ۱۶۲؛ ج۳۰، (ص) ۶۹.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

نیازمند تدبر و تفکر باشد. آیه اله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین در برخی موارد برای تعیین مشارالیه، از قرینه سیاق استفاده نموده و در جهت ارائه تفسیر صحیح آیات کوشیده است.[۱] به عنوان نمونه در آیه «إِلاّ مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النّاسِ أَجْمَعِینَ» (هود، ۱۱۹)، مشارالیه برای اسم اشاره «ذٰلِکَ» را بر اساس سیاق، «رحمت» مذکور در عبارت «إِلاّ مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ» دانسته و احتمال آنکه «اختلاف» مشارالیه باشد، یعنی آفرینش مردم به منظور اختلاف باشد را دور از سیاق دانسته، زیرا ظاهر کلام اشاره به مورد نزدیک است (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۳۱۴/۱۴).

۳-۱-۳. نقش سیاق در ترکیب کلمات

یکی از نکاتی که در فهم صحیح آیات ضروری است آن است که مفسر نقش کلمات در جمله را به درستی فهمیده و بتواند نوع جمله، فاعل و مفعول، مبتدا و خبر و نیز سایر ارکان جمله را به درستی تشخیص دهد. یکی از قرائنی که در این زمینه به کمک مفسر می‌آید، قرینه سیاق می‌باشد. آیة اله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین، در مواردی از این قرینه در جهت ترکیب کلمات استفاده نموده است.[۲] به عنوان نمونه ایشان در آیه «فَلَمَّا جاءَتْ قیلَ أَ هکَذا عَرْشُکِ قالَتْ کَأَنَّهُ هُوَ وَ أُوتینَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِها وَ کُنَّا مُسْلِمین» (النمل، ۴۲)، گوینده عبارت «وَ أُوتینَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِها وَ کُنَّا مُسْلِمین» را ملکه سبا می‌داند، زیرا بر اساس سیاق، این عبارت ادامه سخنان ملکه است، زیرا او احساس می‌کرد که سلیمان(ع) می‌خواهد با آوردن تاج و تخت، توانایی ماوراءطبیعی خود را در اثبات صدق نبوت خود نشان دهد (همان، ۲۵۷/۲۰).

۳-۱-٤. لغت

علم لغت علمی است که درباره مفردات الفاظ وضع شده از جهت دلالت مطابقی آنها بر معانی‌شان بحث می‌شود و از آنجا که موضوع این علم، لغتِ مفرد حقیقی است برخی

---

۱. ج۹، (ص) ۴۲۴؛ ج۱۱، ص۵۲۷، ج۱۴، ص۷۸، ۳۱۴؛ ج۱۷، ص۶۷.

۲. ج۱۰، ص۱۵۸، ۱۸۸، ۴۲۲؛ ج۱۳، ص۵۷؛ ج۱۶، ص۶۰، ۵۲۸؛ ج۱۷، ص۱۹۸؛ ج۲۰، ص۳۲، ۲۲۳، ۲۵۷؛ ج۲۹، ص۲۳۸، ۲۳۹.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

گفته‌اند که علم لغت، شناخت اوضاع شخصی مفردات می‌باشد. هدف این علم پیشگیری از اشتباه در معانی حقیقی لغات و تمایز قائل شدن بین معانی حقیقی و مجازی و برداشت‌های عرفی است و روشن است که افاده و استفاده از هر علمی منوط به شناخت لغت می‌باشد (فیروزآبادی، ۲۹). یکی از راهکارهای منطقی در روشن شدن معانی الفاظ، توجه به قرینه سیاق است. بدین ترتیب قرینه سیاق می‌تواند مفسر را در تعیین و ترجیح معنای متناسب با ساختار سخن یاری دهد. آیة اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین به انحای مختلف از قرینه سیاق در جهت تبیین و ترجیح معانی مفردات یا تبیین حکمت کاربرد برخی واژگان در آیات بهره برده است.

۳-۱-٤-۱. کاربرد سیاق در ترجیح یکی از معانی واژه بر معانی دیگر

آیة اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین، در برخی موارد برای ترجیح یکی از معانی واژه، از قرینه سیاق استفاده نموده است.[۱] به عنوان نمونه ایشان در معنای واژه «ولی» در آیه «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ» (المائده، ۵۵) معتقد به وحدت سیاق و معنای واحد بوده و می‌نویسد: «اقتضای وحدت سیاق آیه این است که ولایت در هر سه مقطع (ولایت خداوند، ولایت پیامبر اکرم، ولایت مومنین که اقامه کننده نماز و پرداخت کننده زکات حین رکوع) به معنای یکسانی است و آن «اولی در تدبیر امور و تصرف در اموال و جان‌هاست، همان چیزی که لازمه جایگاه امامت است، همان ولایتی که پیامبر اکرم (ص) و ابراهیم خلیل نیز از آن استفاده کرده است» (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۲۷۹/۹).

۳-۱-٤-۲. تبیین حکمت کاربرد برخی واژگان در آیات

شکی نیست که چینش کلمات در یک جمله یا یک آیه در قرآن، به صورت وحیانی بوده و برای انتخاب واژگان در هر جمله یا آیه می‌توان به وجود حکمت و دلیل منطقی

---

۱. ج۹، ص۷۶، ۷۸، ۵۱۰؛ ج۱۰، ص۲۷۹، ۵۱۶؛ ج۱۳، ص۱۹۴، ۲۵۵؛ ج۱۴، ص۲۷، ۲۵۳، ۳۵۶؛ ج۱۵، ص۲۵، ۲۳۹، ۲۴۷، ۲۵۸؛ ج۱۶، ص۲۶، ۱۴۰؛ ج۲۱، ص۳۶۸؛ ج۳۰، ص۳۵۹.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

قائل بود. در همین راستا، شایسته است که در خصوص حکمت کاربرد واژگان در آیات تدبر و تامل بیشتری صورت گرفته و در جستجوی نکات و لطایفی نهفته در آن، تلاش نمود. یکی از قرائنی که برای کشف حکمت کاربرد برخی واژگان در آیات بکار می‌رود، سیاق است. آیة اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین، در برخی موارد با استفاده از قرینه سیاق، حکمت کاربرد واژگان را تبیین نموده است.[1] به عنوان مثال در دو آیه مشابه با انتهای متفاوت «وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لا تُحْصُوها إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيم» (النحل، ۱۸) و «وَ آتاكُمْ مِنْ كُلِّ ما سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ كَفَّار» (ابراهیم، ۳۴)، دلیل اختلاف را به خاطر سیاق متفاوت دانسته و می‌نویسد: «تفاوت این دو آیه در انتهای آیه است. زیرا سیاق آیات سوره نحل در مقام تبیین نعمت و دعوت به شکرگزاری و توحید است، پس سیاق با دو اسم «الغفور الرحیم» تناسب دارد، اما در سوره ابراهیم زمینه تهدید و وعده عذاب است پس تناسب دارد تهدید با بیان عبارت «إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ كَفَّار» تشدید شود» (سبحانی، منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۵۸/۱۶).

۳-۱-۵. کاربرد سیاق برای تعیین محذوف

حذف، اصطلاحی در حوزه زبان شناسی و علوم ادبی، از جمله صرف، نحو، بلاغت و عروض، به معنای اسقاط حرف، کلمه یا جمله می‌باشد. بنابر قول مشهور، حذف از انواع ایجاز، (بیان مقصود با الفاظی اندک) به شمار می‌رود (ابن قتیبه، ۱۶/۱). حذف در آیات قرآن نیز امری شایع است، بدین صورت که برخی مفاهیم بنابر مصلحتی تصریح نشده و فهم آن به مخاطب واگذار شده است. یکی از قرائنی که موجب درک محذوف می‌گردد، توجه به آیات قبل و بعد و تدبر در سیاق آیات است. آیه اله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین، در موارد مختلف، برای کشف محذوف از قرینه سیاق بهره برده است که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر می‌باشند:

---

۱. ج۹، (ص) ۵۱۰؛ ج۱۵، (ص) ۱۸۵؛ ج۱۶، (ص) ۵۸؛ ج۱۷، (ص) ۱۲۶؛ ج۲۴، (ص) ۲۸۴.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳-۱-۵-۱. تعیین شرط و جواب شرط محذوف

هر جمله شرطی، شامل دو بخش جمله شرط و جمله جزا می‌باشد. گاهی بنابر دلائلی، جمله شرط و گاهی نیز جمله جزای شرط حذف می‌گردد که این صورت برای درک آن معمولاً قرینه‌ای وجود دارد. آیة اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین، از قرینه سیاق در جهت درک این نوع حذف کوشیده است.[1] به عنوان مثال در سوره انبیاء و در جریان داستان حضرت ابراهیم، پس از آنکه آن حضرت، اقدام به شکستن بت‌ها نمود و مشرکان در صدد مجازات وی برآمدند، پرسیدند: «ای ابراهیم، آیا تو با خدایان ما چنین کردی؟» حضرت ابراهیم نیز فرمودند«قالَ بَلْ فَعَلَهُ کَبیرُهُمْ هذا فَسْئَلُوهُمْ إِنْ کانُوا یَنْطِقُونَ» (الانبیاء، ۶۳). برای جمله شرط «إِنْ کانُوا یَنْطِقُونَ» این سوال مطرح است که جواب شرط عبارت «فَسْئَلُوهُمْ» یا عبارت «بَلْ فَعَلَهُ کَبِیرُهُمْ» است؟ آیة اله سبحانی جواب شرط(مقدم) را عبارت «فَسْئَلُوهُمْ» دانسته و تقدیر آیه را «اگر سخن می گویند، از آنها بپرسید؟» (إن کانوا ینطقون فاسألوهم؟) دانسته و احتمال دوم را بر اساس سیاق نادرست می‌داند و می‌نویسد: «گاهی می‌گویند که قید مذکور، به عبارت «بَلْ فَعَلَهُ کَبِیرُهُمْ» برمی‌گردد، هنگامی که فعل بت بزرگ مقید به سخن گفتن باشد است، چون جمله شرط محقق نمی‌شود، پس جواب شرط مانند آن است، ولی از سیاق آیه دور است» (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۱۱۴/۱۸).

۳-۱-۵-۲. تعیین قسم و جواب قسم محذوف

سوگند، یکی از معارف قرآن و از جمله اسلوب‌های تاکید و استوارسازی کلام است (زرکشی، ۴۰/۳؛ طباطبایی، ۲۲۵/۱۰). سوگندهای قرآن، معمولاً به منظور تعظیم و تکریم مورد سوگند (سیدقطب، ۲۳۶۹/۸)، هشدار به مخاطب در مورد موضوع قسم، عبرت‌گیری و سودمندی برای مخاطب می‌باشد (طبرسی، ۳۳۰/۱۰). آیة اله سبحانی نیز معتقد است که بین مقسّم به و مقسّم علیه ارتباط و تناسبی وجود دارد که هدف مشترک آنها، دلالت بر یگانگی خداوند است (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۱۴۹/۲۳).

---

۱. ج۱۸، ص۱۱۳؛ ج۲۰، ص۴۱۵.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در برخی آیات قرآن که در آنها به چیزی قسم یاد شده است، مطلبی که علت قسم بوده به طور صریح مشخص نشده است. یکی از قرائن مطمئن برای کشف مقسم له، توجه به قرینه سیاق است که مخاطب قرآن با توجه به قبل و بعد آیه، به اندیشیدن در آن به مطلب سوق داده می‌شود. از جمله موارد کاربرد قرینه سیاق در تفسیر منیه الطالبین، کشف جواب قسم محذوف می‌باشد.[۱] برای نمونه در ابتدای سوره ص، خداوند متعال با این عبارت به قرآن قسم خورده است که «ص وَ الْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ» (ص، ۱)؛ آیة اله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین، مقسم علیه محذوف را عباراتی چون «إنّک لمن المنذِرین أو من المرسَلین» بیان نموده و دلیل آن‌را نیز توجه به سیاق و آیه بعدی آن دانسته است که می‌فرماید «بَلِ الَّذِینَ کَفَرُوا فی عِزَّةٍ وَ شِقاق» (ص، ۲) (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۲۸۷/۲۳).

۳-۱-۵-۳. تعیین ارکان محذوف جمله

گاهی در کلام بنا بر دلائلی از جمله ایجاز و اختصار گویی، برخی ارکان جمله بیان نمی-گردد. به عنوان مثال ممکن است فاعل، مفعول، مبتدا یا خبر از جمله حذف گردد. در آیات قرآن نیز گاهی ارکان جمله حذف شده و در این حالت مخاطب بایستی بر اساس قرائن موجود در کلام و نیز تدبر در محتوای سخن، در جهت کشف محذوف و دستیابی به مفهوم سخن تلاش کند. یکی از قرائن در جهت نیل به این هدف، قرینه سیاق است. آیة اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین، برای کشف محذوفات از قرینه سیاق نیز بهره برده است.[۲] به عنوان مثال در آیة «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاَّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یَوْمَ الْقِیامَةِ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهیدا» (النساء، ۱۵۹)، با عنایت به اینکه «إِنْ» در معنای «ما» نافیه می‌باشد، لذا سیاق کلام دلالت می‌کند که مبتدای آن(أحد) حذف شده است، بدین گونه که «ما أحد من أهل الکتاب إلّا لیؤمنّن به»؛ زیرا زمان مرگ هر کس، روح از بدنش جدا نمی‌شود تا اینکه حق از باطل در دینش برایش روشن شود (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۵۲۸/۹).

---

۱. ج۲۶، (ص) ۳۴۷؛ ج۲۹، ص۳۳۹؛ ج۳۰، ص۵۴، ۳۲۶،

۲.ج۹، (ص) ۵۲۸؛ ج۱۰، (ص) ۲۶۴، ۴۲۴؛ ج۱۱، (ص) ۴۰، ۱۶۴، ۱۷۷، ۴۰۴؛ ج۱۲، (ص) ۶۲، ج۳۰، ص۵۹۵.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳-۱-۵-٤. تعیین سوال و جواب مقدر

یکی از روش‌های موثر در تفهیم و تفاهم مخاطبین، استفاده از اسلوب پرسش و پاسخ است. در قرآن نیز برای القای آموزه‌های وحیانی، از اسلوب پرسش و پاسخ استفاده شده است. امامان معصوم نیز در تعلیم و ترویج معارف دینی نیز از این روش بهره برده‌اند. برخی از سوال و جواب‌های بکار رفته در آیات قرآن، به صورت مقدر می‌باشند و از جمله قرائن کشف سوال یا جواب ناگفته، قرینه سیاق و توجه به قبل و بعد کلام است. آیة اله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین، از قرینه سیاق برای کشف سوال و جواب محذوف استفاده نموده است.[۱] به‌عنوان مثال در آیه «وَ قالَ الشَّيْطانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَ ما كانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطانٍ إِلاَّ أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لي فَلا تَلُومُوني وَ لُومُوا أَنْفُسَكُمْ ما أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ ما أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِما أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمينَ لَهُمْ عَذابٌ أَليم» (ابراهیم، ۲۲) براساس سیاق و با توجه به آیه قبل، این آیه را پاسخ به سوال مقدری می‌داند که گنهکاران جهنمی، زمانی که به حقیقت تلخِ ناتوانی رهبران در کمک به آنان و دفع بخشی از عذاب پی بردند، از شیطان می‌پرسند که آیا وی می‌تواند عذاب جهنم را از آنان دفع کند؟ (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۲۳۱/۵).

۳-۱-۶. سایر مباحث ادبی

یکی از کاربردهای قرینه سیاق، در مباحث ادبی است که موارد متعددی از آن ذکر گردید. برخی کاربردهای دیگری نیز وجود دارد که از جمله کشف معنای مستقبل از حرف شرط ماضی، کشف زمان مورد خطاب آیه، تعیین نوع تشبیه، کشف مشبه به، تشخیص وجود تقدیم و تاخیر در آیه، تعیین مرجع ادات موصوله، تشخیص معطوف علیه، تشخیص ریشه فعل و معنای آن می‌توان نام برد. آیة اله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین در موارد متعدد از قرینه سیاق در سایر مباحث ادبی و کشف نکات تفسیری مربوطه استفاده نموده

---

۱. ج۱۴، (ص) ۲۷؛ ج۱۵، (ص) ۲۳۱؛ ج۲۸، (ص) ۲۰۴.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

است.[۱] به عنوان نمونه در آیه «وَ إِنَّ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ * وَ لَوْ رَحِمْناهُمْ وَ کَشَفْنا ما بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُون» (المومنون، ۷۴-۷۵)؛ لفظ «لَوْ» حرف شرط ماضی است؛ ولی از سیاق بر می‌آید که در اینجا زمان آینده اراده شده، و خداوند متعال به ما می‌فرماید که لجاجت منکران قیامت و زندگی اخروی به حدی رسید که اگر به آنان رحم کنیم و گرفتاری‌ها آنها را برطرف سازیم، نه تنها بیدار نمی‌شوند، بلکه در طغیان خود لجاجت می‌ورزند و سرگردان از حقیقت در آن دست و پا می‌زنند. آیه - چنان که پیداست - اشاره به یک قاعده جهانی دارد که حال مشرکان غرق در لجاجت و جهل را برای ما بیان می‌کند (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۱۱۴/۱۹).

۳-۲. کاربرد سیاق در تعیین مخاطب آیه

مخاطب، شخص یا افرادی هستند که رویاروی سخن قرار می‌گیرند (راغب اصفهانی، ۶۱۰/۱). خطاب‌های قرآنی گاه مستقیم و گاه غیر مستقیم می‌باشد. اگر پیام خطاب، امری مهم و حیاتی برای جامعه اسلامی باشد، از طریق پیامبر (ص) به مردم منتقل می‌شود. در صورتی‌که مقصود خداوند غیرمومنان باشند، به هدف إعراض از آنها، با ضمائر غائب یا التفات از خطاب به غائب، ایشان را خطاب می‌کند (معماری و غلام زاده، ۱۰).

شناخت مخاطب اولیه یا مخاطبین تعمیم یافته آیات، یکی از ابزارهای شناخت معارف و آموزه‌های جاودانه قرآن است. در برخی از آیات شناخت مخاطب یا مخاطبین آیه چندان روشن نیست و لازم است که براساس قرائنی مانند سیاق، مخاطب أوامر و نواهی الهی شناخته شود. آیه اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین در برخی موارد، با استفاده از قرینه سیاق، مخاطب آیه را تعیین نموده است.[۲] به عنوان مثال در آیه «وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَی الْهُدی لا یَتَّبِعُوکُمْ سَواءٌ عَلَیْکُمْ أَ دَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صامِتُون» (الاعراف، ۱۹۳) دو نوع خطاب

---

۱. ج۱۹، ص۱۱۴، ۱۶۴، ۲۷۸،۴۲۰؛ ج۲۰، ص۲۴۱، ۲۵۸، ج۲۱، ص۴۷۳؛ ج۲۲، ص۱۰۶؛ ج۲۳، ص۸۲.
۲. ج۱۱، ص۴۵۹، ۶۳۰؛ ج۱۲، (ص) ۷۴؛ ج۱۳، ص۳۲۳؛ ج۱۴، ص۷۹، ۱۱۷؛ ج۱۵، ص۳۹۳؛ ج۲۶، ص۳۷۳.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

گفته شده است. اول اینکه آیه خطاب به «مشرکان» است، یعنی ای «مشرکان» اگر از بت‌ها بخواهید که شما را برای نیل به منافع یا نجات از سختی‌ها راهنمایی کنند، نه پاسخ شما را می‌دهند و نه می‌توانند انجام دهند. براساس این تفسیر، آیه دلیلی بر بطلان عقیده مشرکانه می‌شود. احتمال دوم، آیه خطاب به «مسلمانان» است که: ای «مسلمین» اگر مشرکین را که اصرار بر کفر کردند به دین حق بخوانید ایمان نخواهند آورد و این همان قول خداوند متعال است «أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ»[1] لذاتفسیر اول با سیاق مناسبتر است، زیرا به نظر می‌رسد که خطاب مشرکان است، چنانکه از آیات بعدی پیداست. «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ» (الاعراف، ۱۹۴) (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۶۳۰/۱۱).

۳-۳. کاربرد سیاق در تعیین مراد و مقصود آیه

بدیهی است که فهم مراد آیه، نقش اساسی در کسب هدایت از آن دارد. زیرا فهم نادرست یا ناقص از آیه، موجب گمراهی مخاطب و دور شدن از دایره هدایت قرآنی می‌گردد. یکی از ابزارهای مهم در تعیین مراد آیه، توجه به قرینه سیاق است. سیاق در توسعه یا تضییق مراد آیه، کشف معنای صحیح آیه و یا رفع ناسازگاری ظاهری برخی آیات کاربرد دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد.

۳-۳-۱. کاربرد سیاق در ارائه تفسیر و معنای صحیح آیه

هدف مخاطبِ حقیقت جوی قرآن، کشف معنای صحیح آیه و دست یافتن به تفسیر درست آن است. برای رسیدن به این هدف، ابزارهایی مورد نیاز بوده و توجه و بکارگیری آنها در رسیدن به معنای صحیح آیه و مقصود الهی کارگشاست. قرینه سیاق نیز یکی از ابزارهای کاربردی در این مورد است. آیه اله سبحانی نیز در تفسیر «منیة الطالبین» در

---

۱. مجمع البیان: ۴/۴۴۶.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

موارد بسیاری، از قرینه سیاق با این هدف بهره برده است.[۱] به عنوان نمونه در آیه «اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضاً يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْماً صالِحِين» (یوسف، ۹) یکی از سوالات قابل طرح این است پس از گردهم آمدن برادران یوسف و مشورت برای قتل یوسف یا انتقال وی به سرزمینی دوردست، چه هدفی داشتند؟ به عبارت دیگر مراد از صالح شدن در عبارت «وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْماً صالِحِين» چیست؟ آیا صلاح دنیوی است یا اخروی؟ آنچه ظاهر آیه و توجه به سیاق و عبارات قبل نشان می‌دهد، مراد از صلاح در این آیه، صلاح امر از جهت سعادت و رفاه زندگی دنیوی است. یعنی پس از قتل یوسف یا دور انداختن وی به سرزمین دیگر، نحوه رفتار پدر نسبت به فرزندان اصلاح شده و محبت بیش از اندازه وی به یوسف پایان می‌پذیرد» (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۳۷۱/۱۴)، اما در مقابل نیز احتمال دیگری نیز وجود دارد که چون برادران یوسف، قتل یا تبعید وی را گناه می‌دانستند و نسبت به امور دینی قداست قائل بودند، «توبه کردن» پس از ارتکاب این عمل را برای نجات از عقوبت این گناه، پیشنهاد دادند (طباطبایی، ۹۶/۱۱، طبرسی، ۳۲۵/۵؛ مکارم، ۳۲۳/۹).

۳-۳-۲. کاربرد سیاق در رفع ناسازگاری ظاهری آیات

گاهی در برخورد اولیه با متن آیات قرآن و توجه به آنها، نوعی تعارض ظاهری در آیه یا میان آیات احساس شده، ولی با توجه و تامل بیشتر و در نظرگرفتن قواعد تخصیص، تقیید یا تبیین در آیات هم موضوع، این تعارض ظاهری رفع می‌گردد. بکارگیری فعل جمع برای فاعل مثنی، حکم متفاوت برای دو موضوع مشابه، بکارگیری لفظ برخلاف سیاق ظاهری آیه در مقایسه با آیات دیگر از جمله این موارد است. در این شرایط، یکی از ابزارهای کاربردی برای حل تعارض ظاهری، قرینه سیاق است. آیة اله سبحانی درتفسیر

---

۱. ج۱۴، ص۴۲، ۲۸۱؛ ج۱۵، ص۱۱، ۱۶۷، ۲۲۹، ۴۱۰؛ ج۱۸، ص۶۹، ۳۵۹؛ ج۱۹، ص۱۱۴، ۳۹۷؛ ج۲۰، ص۸۰؛ ج۲۶، ص۱۱۶.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

منیة الطالبین برای رفع تعارض مذکور، از قرینه سیاق بهره برده است.[۱] بـه عنـوان مثـال در آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذا كانُوا مَعَهُ عَلى أَمْرٍ جامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (النور، ۶۲) خداوند متعال «اذن» را به رسول (ص) «تفویض» کرده است و ایشان بین جواز یـا عـدم جـواز مخیـر اسـت، امـا خداوند متعال در آیه‌ای دیگر مقداری از نکوهش را متوجه پیامبر می‌کند می‌فرمایـد «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمَ الْكاذِبِينَ» (التوبـه، ۴۳). سـوال اینجاست که این تعارض ظاهری چگونه قابل توجیه اسـت؟ در پاسـخ آیـه الـه سـبحانی آورده: چنانکه از سیاق آیات پیداست موضوع اذن سوره نور مؤمنانی هستند که به خـدا و رسولش ایمان آورده‌اند، که اگر اذن بخواهند به پیامبر (ص) واگذار شده، اما در سوره توبـه موضوع منافقان است، همان‌گونه که سیاق آن را نشان می‌دهد؛ زیرا در آیه بعد می‌فرمایـد: «لا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجاهِدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ * إِنَّما يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ارْتابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» (التوبه، ۴۴-۴۵) (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۳۵۰/۱۹).

۳-٤. کاربرد سیاق در نقد دیدگاه‌های مفسران

در تفسیر آیات قرآن، وجود دیدگاه‌های متفاوت، امری متداول اسـت. معمـولاً مفسـران در برخورد با این دیدگاه‌ها، نسبت به اظهارنظر در خصوص آنها می‌پردازند. سیاق آیات مـی‌توانـد به عنوان معیاری برای بررسی و نقد نظرات مفسران واقع شده و مفهومِ کلام الهی در بوتـه سـیاق مورد سنجش واقع گردد. آیة اله سبحانی در تفسیر منیة الطالبین در مواردی که تعداد آن فـراوان است به این امر مبادرت داشته و پس از بیان اقوال تفسیری، با توجه به قرائن معتبـر و از جملـه سیاق، مقصود آیه را بیان داشته یا برخی اقوال تفسیری را ترجیح و یا نقد نموده است.

---

۱. ج۱۱، ص۴۷۹؛ ج۱۸، ص۲۴۱؛ ج۱۹، ص۳۵۰؛ ج۲۰، ص۳۲۹؛ ج۲۲، ص۱۱۷، ۳۹۷.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳-٤-۱. ترجیح یک دیدگاه تفسیری به کمک سیاق

مُفسّر منیة الطالبین، در خصوص برخی آیات، پس از بیان اقوال تفسیری مختلف و دسته‌بندی آنها، از قرائن موجود از جمله سیاق استفاده نموده و قول صحیح را برگزیده است.[۱] برای نمونه در آیه «قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَ أَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ کَما بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ» (الاعراف، ۲۹) و عبارت «وَ أَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ» طبرسی در تفسیر مجمع البیان احتمالاتی را برای توضیح آن ذکر کرده که بر اساس نظر آیة اله سبحانی، بیشتر آنها موافق با سیاق نیست. اما روشن‌ترین آنها احتمال تفسیری پنجم است که می‌فرماید: چهره‌های خود را برای خدای متعال در اطاعت قرار دهید و با او هیچ چیز دیگری را شریک قرار ندهید. آیة اله سبحانی این احتمال تفسیری را موافق سیاق دانسته، زیرا این بند با عبارت بعدی «وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ» که خواهان اخلاص است متناسب است (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۱۱۶/۱۱).

۳-٤-۲. ردّ دیدگاه تفسیری به کمک سیاق

توجه به روند کلی کلام الهی و نیز دقت در سیاق آیات، از جمله ضروریات تفسیر است که مفسّر را از انحراف و سقوط در مهلکه تفسیر به رأی باز می‌دارد. آیه اله سبحانی نیز با رعایت این اصل، نظرات مفسرانی که در تفسیر آیات از سیاق غفلت کرده‌اند را مورد نقد قرار داده و نادرست دانسته است.[۲] به عنوان مثال در آیه «الَّذِینَ یَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِینَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فِی الصَّدَقاتِ وَ الَّذِینَ لا یَجِدُونَ إِلاَّ جُهْدَهُمْ فَیَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ» (التوبه، ۷۹) به حکایت از آن دسته افرادی که به مؤمنین در پرداخت صدقات، ایراد

---

۱. ج۹، ص۵۰، ۱۷۱؛ ج۱۰، ص۳۰۶؛ ج۱۳، ص۲۴۳، ۴۳۸؛ ج۱۵، ص۳۳؛ ج۱۷، ص۳۰۲؛ ج۱۸، ص۲۷۳؛ ج۱۹، ص۲۱۵، ۳۳۰، ۳۸۳؛ ج۲۰، ص۲۹۱، ۳۰۹، ۳۱۱؛ ج۲۲، ص۱۰۷؛ ج۲۲، ص۳۲۳؛ ج۲۶، ص۳۲۳؛ ج۲۸، ص۱۴۴.

۲. ج۹، ص۴۹، ۲۶۵، ۴۰۳، ۵۲۶؛ ج۱۰، ۱۹۳، ۴۲۷، ۵۵۵؛ ج۱۱، ص۱۱۶، ۴۵۰؛ ج۱۲، ص۱۴۹، ۳۶۱؛ ج۱۳، ص۶۵، ۲۹۷، ۳۴۶، ۴۳۸؛ج۱۴، ص۲۸۴؛ ج۱۵، (ص) ۳۳؛ ج۱۶، ص۲۹۲، ۴۸۴؛ ج۱۸، ص۱۱۳، ۲۷۳؛ ج۱۹، ص۲۹۵، ۳۳۰، ۳۸۳، ۵۰۸؛ ج۲۰، ص۲۹۶؛ ج۲۱، ص۱۸۰؛ ج۲۲، ص۳۲۶؛ ج۲۳، ص۲۳۳؛ ج۲۵، ص۲۲، ۲۳۲؛ ج۲۶، ص۲۲، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۳۲؛ ج۲۸، ص۱۴۴، ۱۹۸؛ ج۲۹، ص۳۲۶.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

می‌گیرند پرداخته است، سپس عبارت «وَ الَّذینَ لا یَجِدُونَ إِلاَّ جُهْدَهُمْ» به جمله قبلی‌اش معطوف شده است؛ این تقابل دلالت دارد که مقصود کسانی هستند که مال اندکی صدقه می‌دهند که حداکثر استطاعت مالی آنان است، اما ابن‌عاشور عبارت مذکور را به صورت دیگری تفسیر کرده و آورده است: «کسانی که راهی برای پرداخت صدقه نمی‌یابند و تنها با تلاش بدنی در پی ادای صدقه هستند» (ابن عاشور، ۱۶۲/۱۰-۱۶۳). بر کسی پوشیده نیست که تفسیر ایشان، حتی اگر فی نفسه صحیح باشد، بر سیاق آیه دلالت ندارد. بر ضعف این تفسیر، این عبارت خداوند سبحان دلالت دارد که «فِی الصَّدَقاتِ» قیدی برای هر دو بخش آیه هست و تقدیر آیه این است (والذین لا یجدون إلّا جهدهم فی الصدقات) لذا همین دلیلی بر این است که گروه دوم نیز مقداری پول برای صدقه دادن داشته و پرداخته‌اند (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۶۵/۱۳).

۳-۵. کاربرد سیاق در ارزیابی روایات اسباب نزول

نزول قرآن کریم در طول دوره رسالت پیامبر اکرم تدریجی بوده و برخی از آیات آن در ارتباط با حوادث عصر نزول یا پاسخ به سوالات مردم بوده که اصطلاحاً «اسباب النزول» گفته می‌شود (سیوطی، ۱۱/۱؛ حجتی، ۳۰۶؛ صبحی صالح، ۱۳۲). از آن‌جایی که این گونه آیات با تکیه بر قرائن حالی و مقامی بوده، لذا فهم مراد صحیح آیات بدون توجه به آن قرائن مشکل و گاهی ناممکن خواهد بود. «هر چند سبب نزول در روشن شدن معنای آیه نقش دارد، ولی در برخی موارد نیز برای نقد و ارزیابی سبب نزول می‌توان از سیاق آیات استفاده کرد. زیرا سیاق، برخی روایات سبب نزول را تایید، تضعیف یا حتی رد می‌کند» (طباطبایی، ۲۹۴/۴؛ ۱۷۳/۱۲). آیه اله سبحانی نیز در مواردی با توجه به سیاق آیات، به نقد و ارزیابی روایات سبب نزول پرداخته است.[1] به عنوان نمونه آیه «وَ هُمْ یَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ یَنْأَوْنَ عَنْهُ وَ إِنْ یُهْلِکُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما یَشْعُرُون» (الانعام، ۲۶) در ادامه آیات قبل

۱. ج۱۰، ص۹۲؛ ج۱۲، ص۴۷؛ ج۱۳، ص۹۸، ۱۰۱؛ ج۱۴، ۲۷؛ ج۱۶، ص۵۰۰؛ ج۱۹، ص۲۳۶؛ ج۲۰، ۲۳۸؛ج۲۳، ص۴۲؛ج۲۷، ص۱۴۸؛ ج۳۰، ص۴۴۸، ۶۴۰.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بوده، و حکایت از لجاجت سوم مشرکان دارد، پس از آن که آنـان بـه هـیچ آیـه‌ای ایمـان نیاوردند و قرآن مجید را یکی از افسانه‌های پیشینیان توصیف و از شنیدن آیات جلوگیری کردند و تصور می‌کنند که کارشان خوب است، ولی خدای متعال از عاقبت‌شان مـی‌گویـد: «وَ إِنْ يُهْلِكُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما يَشْعُرُون» آنان جز خویشتن را هلاک نمی‌نمایند ولـی (زشـتی عمل خود و فرجام بد آن را) درک نمی‌کنند. در اینجا برخی روایات عجیب، منسوب به ابن عباس نقل شده که گفته‌اند عبارت «وَ هُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ يَنْأَوْنَ عَنْهُ» درباره ابوطالب نازل شده که مشرکان را از آزار رساندن به رسول خدا نهی کرد و از آیاتی که او آورده بود دوری می گُزید (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۲۶۰/۳). آن چیزی است که صحیح‌تر بـه نظر می‌رسد این است که آیه در ادامه آیات قبل، در سیاق سرزنش پیشوایان کفار به دلیـل لجاجت و استکبار آنان و سپس در سیاق جدل آنان در مقابل قرآن آمده است، و در مقـام بیان مواضع عموی پیامبر را نیست، زیرا آیه به آنچه قبل از آن آمده، متصل است و بخـش مستقل و جداگانه‌ای نیست. لذا روایت مذکور بر اساس سیاق نادرست است (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۹۲/۱۰).

۳-۶. کاربرد سیاق در تبیین آیات الاحکام

آیات الاحکام به آیاتی گفته می‌شود که مفاد آن شامل یک یا چنـد قاعـده یـا مسـأله فقهی بوده و حکم یا حقی متعلق به انسان به طور صریح یا ضمنی در آن بیان شـده باشـد (عمید زنجانی، ۱۶). از جمله کاربردهای سیاق در آیات فقهی است. بدین ترتیـب کـه گـاه مفسران برای فهم حکمی قرآنی از قرائن همراه آیه استفاده نموده و آیات مقیده را در تقیید آیات مطلق یا آیات خاصه را در تخصیص آیات عام بکار برده‌اند. به همین ترتیب دربـاره مُجمل و مُبیّن نیز بهره برده‌اند. یکی از موارد کاربردی در تفسیر منیة الطالبین آن اسـت کـه آیة اله سبحانی از قرینه سیاق در فهم و تفسیر آیات شامل احکام شـرعی اسـتفاده نمـوده

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

است.[۱] به عنوان مثال در آیه ۵ سوره مائده و عبارت «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُم»، ظاهر آیه بیان یک حکم مطلق است که به تنهایی بیان می‌دارد که از امروز، تمامی طعام‌های اهل کتاب بر مسلمانان حلال می‌باشد. این حکم مطلق براساس سیاق آیات و توجه به دو آیه قبل از آن که طعام‌ها و گوشت‌های حرام را برشمرده شده، مقید می‌گردد. به عبارت دیگر در دو آیه قبل برخی از طعام‌های حرام از جمله گوشت خوک، گوشت حیوان مرده،... حرام اعلام شده است. لذا این حکم مطلق به دلیل سیاق آیات مقید می‌گردد (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۸۵/۹).

۳-۷. شناخت بهتر مباحث کلامی

علم کلام یکی از علوم اسلامی است که درباره عقاید اسلامی، بحث می‌کند، و برای اثبات آن عقاید با دلایل عقلی و نقلی استدلال می‌کند و از آن دفاع می‌کند (مطهری، ۱۵). منبع اصلی بحث کلامی، آیات قرآن و احادیث معصومین(ع) نیز تکمیل کننده آن است. چون موضوع صریح یا ضمنی برخی آیات مباحث اعتقادی است، گاهی قرینه سیاق موجب شناخت بهتر و درک صحیح موضوع در آیه می‌گردد. آیة اله سبحانی در همین راستا، از قرینه سیاق به عنوان ابزاری برای فهم بهتر موضوع کلامی بهره برده است.[۲] به عنوان مثال در آیه «يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ إِنْ كانُوا مُؤْمِنِين» (التوبه، ۶۲) سیاق اقتضا می‌کند که چون ضمیر «يُرْضُوهُ» به خداوند و رسول او برمی‌گردد، پس برای آن ضمیر «مثنی» بکار برده شود، در حالی‌که ضمیر «مفرد» به کار رفته است. توجه به سیاق آیه نشانگر یک نکته اعتقادی است که کاربردِ ضمیر مفرد نشان می‌دهد که رضایت رسول خدا (ص)، رضایت خود خداوند متعال است و رضایت خداوند متعال از رضایت رسول الله (ص) جدایی ناپذیر است (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۲۳/۱۳).

---

۱. ج۹، ص۸۵، ۹۵، ۱۰۹، ۴۰۰؛ ج۱۲، ص۵۴۱؛ ج۱۸، ص۳۸۹؛ ج۱۹، ص۳۴۵؛ ج۱۹، ص۴۹۳.
۲. ج۱۱، ص۱۳۸، ۱۹۳، ۴۷۶، ۶۱۵؛ ج۱۳، ص۱۶، ۴۸۷؛ ج۱۴، ص۱۰۸؛ ج۱۵، ص۲۵۲؛ ج۱۷، ص۲۲۵؛ ج۲۰، ص۳۱۶؛ ج۲۲، ۲۴۸.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳-۸. مباحث تاریخی

تاریخ یکی از واژه‌هایی است که در گفتار و نوشتار عالمان و نویسندگان کاربرد زیادی داشته و در هر مورد معنای خاصی از آن قصد می‌شود، به طوری که دقت در کاربردهای آن ما را به اشترک لفظی آن رهنمون می‌سازد. زمان، شرح حال افراد، گزارش تاریخی، تبیین رویدادهای گذشته، جوامع بشری، دانش بشری و ... معانی مختلف آن است (حسن بگی، آسیب‌شناسی نقد و تحلیل تاریخ با تاکید بر تاریخ اسلام، ۱۴). از سوی دیگر آیات قرآن، از منابع مرتبط با تاریخ محسوب شده و به تامل در آن توصیه نموده است (یوسف، ۱۱۱).

۳-۸-۱. شناخت زوایای تاریخ اسلام

آیة اله سبحانی با اطلاع از وقایع تاریخی مرتبط با آیات، در برخی موارد مفهوم آیه را با استناد قرینه سیاق توضیح داده است.[۱] به عنوان نمونه در آیه «وَ قالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْديهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا بَلْ يَداهُ مَبْسُوطَتانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشاءُ وَ لَيَزيدَنَّ كَثيراً مِنْهُمْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْياناً وَ كُفْراً وَ أَلْقَيْنا بَيْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الْمُفْسِدين» (المائده، ۶۴) در عبارت «كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» احتمال دارد این بخش از آیه ناظر به این باشد که یهودیان هر گاه که با کید و حیله‌ای بر علیه پیامبر اکرم (ص) و یاران ایشان اهتمام داشتند، خداوند مکر و حیله آنها را باطل می‌نمود. و به همین خاطر قبیله بنی قینقاع و بنی نضیر مستأصل و روسای قبیله خیبر کشته شدند تا جایی‌که مطیع پیامبر (ص) شدند و در زمین‌های آنها کارگری می‌کردند. اما برداشت عام دیگری این است که این فرایند در طول تاریخ ادامه داشته و خواهد داشت. علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید: این آیه بر اساس آنچه از سیاق برمی‌آید دلالت می‌کند که تلاش یهودیان برای افروختن شعله‌های آتشی که بر ضد دین خدا برافروخته‌اند و تلاشی که بر علیه مسلمانان به خاطر ایمان شان

---

۱. ج۹، ص۳۰۷؛ ج۱۱، ص۴۶۶؛ ج۱۳، ص۱۰۱؛ ج۱۴، ص۳۹۱؛ ج۱۴، ص۱۳۷، ۴۷۶، ۴۹۲، ۵۲۰؛ ج۱۷، ص۵۷، ۲۷۵؛ ج۱۸، ص۱۱؛ ج۲۰، ص۲۴۱، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۵۹؛ ج۲۵، ص۲۱۸.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

به خداوند و روز رستاخیز دارند، شکست خورده است، و این احتمال که ممکن است آتش جنگ‌هایی که یهودیان برافروختند، به خاطر دین واقعی نـه بـه خـاطر سیاسـت و برتـری جویی قومی و فرقه‌ای باشد، خارج از سیاق آیه است (سبحانی، منیة الطـالبین فـی تفسـیر القرآن المبین، ۳۰۷/۹).

۳-۸-۲. قصص القرآن

حدود یک سوم از آیات قرآن داستان‌های قرآنی است کـه دربـاره پیشـینیان، زنـدگی پیامبران و نیز رویدادهای دوره نزول قرآن است. قرآن خود هـدف از بیـان داسـتان‌هـا را عبرت گرفتن انسان‌ها معرفی کرده است (آل‌عمران، ۱۲؛ الحشر، ۲؛ یوسف، ۱۱۱). هر چند بیان جزئیات تاریخ قصص قرآن، هدف بیان داستان‌های قرآنی نیست، لیکن در ضمن بیـان داستان‌ها، گاهی برخی جزئیات بیان شده که در مواردی سیاق در زمینه کشف آنهـا مـوثر است. آیه اله سبحانی نیز در تفسیر منیه الطالبین، گاه با استفاده از قرینـه سـیاق بـه کشـف برخی زوایای داستان‌های قرآنی، اهداف آنها یا روش نقل دست پیدا کرده و آنرا بیان داشته است. به عنوان نمونه در آیه «**فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهازِهِمْ جَعَلَ السِّقايَةَ فی رَحْلِ أَخيـهِ ثُـمَّ أَذَّنَ مُـؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعيرُ إِنَّكُمْ لَسارِقُون**» (یوسف، ۷۰) بر اساس ظاهر آیه، هنگـامی کـه مـأموران یوسـف بارهای آنها را بستند، ظرف آبخوری پادشاه را (طبق نقشه قبلی) در بارِ برادرش (بنیـامین) گذاشتند؛ سپس یکی از آنان صدا زدند «ای اهل قافله، شما دزد هستید». همـانطور کـه از سیاق فهمیده می شود حضرت یوسف برادرش را از نقشه خود آگاه کرده اسـت و او بـا آن موافقت کرده و راضی به ایفای این نقش شد، زیرا او هیچ واکنشی نسبت به هر اتفـاقی کـه برایش می‌افتاد نشان نداد (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۴۹۲/۱۴).

۳-۸-۳. ترجیح مکی یا مدنی بودن

شناخت آیات مکی و مدنی، یکی از مباحث علوم قرآنی است و مقصود از آن، دانسـتن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

محل نزول آیات و شناخت زمان نزول آن نسبت به هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه است. برخی این نوع شناخت را از مقدمات تفسیر دانسته (عتر نورالدین، ۸۵) و برای آن نقش مهمی در برداشت‌های تفسیری قائل شده‌اند (زرکشی، ۲۷۵/۱؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القران، ۸۲/۱). یکی از راه‌های شناخت مکی مدنی بودن سوره‌ها، توجه به قرینه سیاق است. آیه اله سبحانی نیز در تفسیر منیه الطالبین، در ابتدای تفسیر سوره، به مکی مدنی بودن آن اشاره داشته و در صورت اختلاف نظرات، با استناد به قرینه سیاق، به اظهار نظر پرداخته است.[۱] به عنوان مثال در خصوص محل نزول سوره «بینه» اظهار می‌دارد که این سوره «مدنی» است، چنانکه از سیاق آیات و توجه آن به اهل کتاب پیداست، زیرا محیط مناسب برای بحث در مورد آنها مدینه است، زیرا در مکه نه یهودی بود و نه مسیحی (سبحانی، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۵۱۴/۳۰).

۳-۹. لطایف آیه

آیات قرآن، سراسر نور و هدایت است و در آن لطایف و نکات فروانی قابل کشف است. برخی مفسران از درون برخی آیات، نکات لطیف یا مواردی جنبی را کشف و بیان نموده‌اند. به عنوان نمونه، تغییر سیاق آیات را علت‌یابی و نکته‌ای لطیف استخراج نموده‌اند؛ یا در علت خطاب عام ابتدای آیه تامل و بر اساس سیاق مطالبی را درک نموده‌اند؛ یا در اثر تقدیم و تاخیر عبارات آیه، پیام جدیدی فهم نموده‌اند. آیه اله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین از موارد فوق با عنایت به قرینه سیاق استفاده نموده است.[۲] به عنوان مثال در آیات «**وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَة مِنْ طِينٍ*ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فی قَرارٍ مَكينٍ*ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ**» (المومنون، ۱۲-۱۴) خداوند سبحان سیر آفرینش انسان را از مرحله‌ای به مرحله دیگر، از قطره نطفه تا توده گوشتی به لخته

---

۱. ج۱۱، (ص) ۲۷؛ ج۱۲، (ص) ۱۶؛ ج۱۴، ص۳۴۰؛ ج۱۸، (ص) ۳۵۹؛ ج۱۹، (ص) ۳۶۰؛ ج۲۱، (ص) ۲۲؛ ج۲۴، (ص) ۱۸۰؛ ج۲۹، (ص) ۶۹، ۳۲۱؛ ج۳۰، (ص) ۲۷۴، ۵۴۱.

۲. ج۱۷، ص۲۰۵؛ ج۲۰، ص۲۵۳؛ ج۲۲، ص۴۰۷-۴۰۸، ۴۲۹؛ ج۲۴، ص۱۰۸؛ ج۲۹۶، ص۳۷۷.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

و از آنجا به آفرینش استخوان‌ها و سپس پوشاندن آنها را با گوشت بیان می‌کند. در این هنگـام، لفظ و سیاق کلام تغییر می‌کند و با کلمه «ثُمَّ» شروع می‌کند و می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقـاً آخَـرَ» برخلاف مراحل پیش که هر مرحله با حرف «ف» به مرحله دیگری پیوند می‌خورد، بیان«ثُـمَّ» نشان می‌دهد که این مرحله از نظر تکوین و ماهیت با مراحل قبلی متفاوت است (سبحانی، منیـة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، ۳۷۷/۲۹).

٤. نتایج مقاله

۱. یکی از مهمترین قرائن فهم آیات، «سیاق» است که برای تعاریف آن، دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است. یکی از این تقسیم بندی‌ها، تقسیم تعاریف سیاق به دیدگاه «درون متنی» و «برون متنی» است. با دقت در آثار آیة اله سبحانی مـی‌تـوان ایشـان را در زُمـره طرفداران دیدگاه درون متنی قرار داد.

۲. هرچند در آثار آیه اله سبحانی تعریف صریح و مستقلی از سیاق ارائه نشده لیکن با دقت در جملات و مثال‌های بکار رفته در آثار ایشان، می‌توان این تعریف را در نظر گرفـت: «سـیاق از امارات کشف مقصود متکلم با توجه به مطالب قبل و بعد سخن است، مـادامی کـه کـه دلیـل قوی‌تری برخلاف آن در کار نباشد و نصوص احتمالی خـلاف آن را جسـتجو و شـناخته شـده باشند. با پذیرش مبنای «هماهنگی مجموع آیات قرآن با یکدیگر»، سیاق در قـرآن نیـز همـان توجه کردن به مجموع آیات ماقبل و مابعد برای کشف مفهوم آیات است».

۳. از بررسی موارد کاربردی سیاق در فهم آیات و نیز برداشت‌های تفسیری در تفسـیر منیة الطالبین، می‌توان مجموعه آنها را در دسته مباحث ادبی (تعیـین مرجـع ضـمیر، تعیـین مشارالیه، ترکیب کلمات، مفردات، تعیین محذوفات آیه...)، تعیین مراد ومقصود آیـه (کشـف معنای صحیح آیه، رفع ناسازگاری ظاهری)، نقد دیدگاه‌های مفسران (ترجیح یـک دیـدگاه تفسیری، ردّ دیدگاه تفسیری به کمک سیاق)، ارزیابی روایات اسباب نـزول، تبیـین آیـات الاحکام، مباحث کلامی، مباحث تاریخی (شناخت زوایای تـاریخ اسـلام، قصـص القـرآن، ترجیح مکی یا مدنی بودن) و لطایف آیات دسته‌بندی نمود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کتابشناسی

۱. ابن انباری، محمد بن قاسم، الاضداد فی اللغه؛ بیروت: المکتبه العصریه، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن جوزی، جمال الدین ابولفرج، نزهه الأعین النواظر فی علم والوجوه و النظائر؛ تحقیق محمد عبدالکریم کاظم الراضی، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن قتیبه، عبداله، ادب الکاتب، قاهره: چاپ محیی الدین عبدالحمید عبادی، ۱۹۶۳م.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر والتنویر، لبنان– بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. آگهی، فاطمه، بررسی تطبیقی سیاق در تفسیر و زبان شناسی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۰ش.
۶. بابایی، علی‌اکبر، تاریخ تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۷. همو، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران: جعفری، ۱۴۰۱ش.
۸. حجتی، محمدباقر، اسباب النزول؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۹. حسن بگی، علی، آسیب شناسی نقد و تحلیل تاریخ با تاکید بر تاریخ اسلام، اراک، دانشگاه اراک، ۱۳۹۶ش.
۱۰. همو، درآمدی بر فرایند فهم حدیث، اراک، انتشارات دانشگاه اراک،۱۳۹۷ ش.
۱۱. حسینی، محمدرضا، کیف نفهم القرآن؛ بیروت: دار الفردوس، ۱۹۸۸م.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن؛ تهران: مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
۱۳. زرکشی، بدرالدین محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۹۸۸م.
۱۴. سبحانی، جعفر، أهل البیت علیهم‌السلام سماتهم و حقوقهم فی القرآن الکریم؛ قم: موسسه امام صادق ع، ۱۴۲۰ق.
۱۵. همو، روش تفسیر قرآن، اصفهان: قبسات، ۱۳۸۲ش.
۱۶. همو، مناهج التفسریه؛ قم: موسسه امام صادق (ع)، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
۱۷. همو، مفاهیم القرآن؛ قم: موسسه امام صادق (ع)، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ق.
۱۸. همو، جعفر، منشور جاوید؛ قم: موسسه امام صادق (ع)، چاپ ششم، ۱۳۹۰ش.
۱۹. همو، تفسیر صحیح آیات مشکله؛ قم: انتشارات توحید، ۱۳۹۵ش.
۲۰. همو، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، قم: موسسه امام صادق ع، چاپ ششم، ۱۳۹۵ش.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. همو، الاتقان فی علوم القران، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۲۳. سید قطب، فی ظلال القرآن؛ بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵ق.
۲۴. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول؛ قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۵. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸م.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ مصحح: طباطبایی، فضل‌الله؛ رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۸. طیب حسینی، محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم، جعفری، چاپ هفتم، ۱۳۹۷ش.
۲۹. عتر، نور الدین، محاظرات فی علوم القرآن، دمشق: مطبعه الداودی، ۱۴۰۷ق
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳۲. کوثری، عباس، نقش سیاق در تفسیر قرآن و فقه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳۳. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار؛ لبنان ـ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ق.
۳۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلام، قم، صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۴ش.
۳۵. معماری، داود، غلامزاده، زهرا، اسلوب خطاب و نقش آن در تبیان معارف قرآنی؛ مجله پژوهش‌های ادبی قرآن، ۱۳۹۲، ش۴.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
۳۷. هاشمی، سید احمد، القواعد الاسلامیه للغه العربیه؛ قم: هجرت، بی‌تا.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]